

## **Investigating the Impact of Technology Transfer and Intellectual Property Protection Mechanisms**

### **Abstract**

Today, technology and access to it is one of the largest and most important basic indicators in economic development and the use of this technology is becoming more and more up-to-date, so its transfer by international contract to one of Technology Transfer Contracts Technology transfer contracts have a special feature that takes place internationally due to the breadth and complexity of their subject matter and the various conditions that are envisaged in such contracts. Therefore, the necessity and importance of this study in a descriptive-analytical method to examine the legal protections of intellectual property in the field of technology transfer and seek to answer the question that the position of rules to protect intellectual property in the direction of the transfer process How is technology? The hypothesis of this research is that protectionist rules have an undeniable role in directing the process of technology transfer due to their close relationship with intellectual property. The results of this research show that intellectual property facilitates the process of technology transfer. In this field, there are many models, agreements, contracts, etc., each of which is of great importance worldwide. However, the initial agreements presented reduced the protection aspects of intellectual property and prioritized other factors influencing foreign investment and technology. But newer models focus on strengthening aspects of intellectual property protection and rely on removing other barriers.

**Keywords:** technology transfer, thrips, legal protections, intellectual property, global trade.

## انتقال فناوری و سازوکارهای حمایتی مالکیت فکری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳

مینا شیخ<sup>۱</sup>

طوبی صادقی<sup>۲</sup>

ابراهیم تقی زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

امروزه فناوری و دسترسی به آن یکی از بزرگترین و پراهمیت ترین شاخص اساسی در توسعه اقتصادی محسوب می شود و روز به روز نیز استفاده از این فناوری به روزتر و پیشرفته تر می گردد از این رو انتقال آن با قرارداد در سطح بین المللی به یکی از موضوعات مهم تبدیل شده است قراردادهای انتقال تکنولوژی به علت وسعت دامنه و پیچیدگی موضوعشان و شرایط مختلفی که در چنین قراردادهایی پیش بینی می شود از ویژگیهای خاصی برخوردار هستند که در سطح بین الملل صورت می گیرد. بنا بر این ضرورت و اهمیت در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی حمایت های حقوقی از مالکیت های فکری در عرصه انتقال فناوری می پردازیم و به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که جایگاه قواعد حمایتی از دارییهای فکری در جهت دهی به فرایند انتقال فناوری چگونه است؟ فرضیه این تحقیق بیانگر این است که قواعد حمایتی به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با دارییهای فکری دارند در جهت دهی به فرایند انتقال فناوری نقشی انکار ناپذیری را دارا هستند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان دهنده ی این است که مالکیت فکری فرایند انتقال فناوری را تسهیل می کند در این زمینه مدلها، موافقتنامه ها، پیمانها و ... زیادی وجود دارد که هر کدام از آنها در سطح جهانی از اهمیت زیادی برخوردار است. اگرچه موافقتنامه های ابتدایی ارائه شده از جنبه های حمایتی از مالکیت های فکری می کاستند و سایر عوامل موثر در جذب سرمایه گذاری خارجی و فناوری را در اولویت قرار می دهند. اما مدل های جدیدتر بر تقویت جنبه های حمایت از داریی های فکری پای می فشارند و برفع سایر موانع تکیه می کنند .

**کلمات کلیدی:** انتقال فناوری، تریپس، حمایت های حقوقی، مالکیت های فکری، تجارت جهانی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران .

رایانامه mina.sheikh.68@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

رایانامه toubasadeghi@gmail.com

۳. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. استاد گروه حقوق

خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

رایانامه taghizaadeh@pnu.ac.ir

امروزه فناوری و دسترسی به آن یکی از بزرگترین و پراهمیت‌ترین شاخص‌های اساسی در توسعه اقتصادی محسوب می‌شود و روز به روز نیز استفاده از این فناوری به روزتر و پیشرفته‌تر می‌گردد از این رو انتقال آن با قرارداد در سطح بین‌المللی به یکی از موضوعات مهم تبدیل شده است قراردادهای انتقال تکنولوژی به علت وسعت دامنه و پیچیدگی موضوعشان و شرایط مختلفی که در چنین قراردادهایی پیش‌بینی می‌شود از ویژگیهای خاصی برخوردار هستند که در سطح بین‌الملل صورت می‌گیرد.

مفهوم انتقال تکنولوژی، از لحاظ فیزیکی شامل انتقال تجهیزات و از لحاظ حقوقی، واگذاری حق استفاده از دانش فنی است. برای اینکه انتقال تکنولوژی از لحاظ حقوقی مورد حمایت قرار بگیرد و از ضمانت‌اجرائی لازم برخوردار شود، باید در قالب یکی از اعمال حقوقی صورت بگیرد که قرارداد یکی از آنها محسوب می‌شود. «قرارداد عمل حقوقی است که به توافق صورت می‌پذیرد: نماینده دو نفع متضاد روبروی هم قرار می‌گیرند و اراده مشترکی را برای دستیابی به هدف خاص خود جستجو می‌کنند. توافق بر سر همین راه مشترک است که با دو انشاء منوط به هم بروز می‌کند و اثر معهود و دلخواه را به بار می‌آورد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۲۶)

قراردادهای انتقال تکنولوژی از انواع قراردادهای تجاری بین‌المللی محسوب می‌شوند. انتقال تکنولوژی معمولاً به وسیله یک یا چند قرارداد جداگانه هم‌زمان و یا به تدریج، تثبیت و تسجیل می‌شود. نحوه و شیوه‌اجرائی و حقوق و تعهدات طرفین به صورت شروطی که در ضمن این قراردادها درج می‌شود معین می‌گردد.

### اهمیت حقوق مالکیت فکری در عرصه انتقال فناوری

در مسیر نمود اهمیت روزافزون حمایت از حقوق مالکیت فکری، شاید بتوان اندیشه اینشتین را که تصور را مهمتر از دانش می‌دانست، نقطه عطفی در این خصوص دانست چرا که مالکیت فکری بر قدرت تصور و خیال مبتنی است. وی چنین ابراز داشت که سرچشمه پیشرفت شخصی، فرهنگی و اقتصادی، توانایی ایستادن بر پایه‌های دانش مورد قبول موجود و نگاه به ورای مرزهای کشف است. واپس بر این باور است که مالکیت فکری، امری بومی برای تمام مردم و مرتبط با تمام اعصار و فرهنگها و به لحاظ تاریخی موثر در پیشرفت جوامع است. (اخلاقی؛ بیابان‌گرد، ۱۳۸۹: ۸۸)

علیرغم اینکه برآوردهای منتشر شده در خصوص درآمدهای از دست رفته صنایع در نتیجه نقض حقوق مالکیت فکری، بسیار گوناگون هستند ولی هیچ تردیدی نیست که استفاده غیر مجاز از مالکیت‌های فکری خسارات قابل ملاحظه‌ای را در پی می‌آورد.

هر چند که تنها تا چند دهه گذشته عواقب سوء این قبیل تخطی‌ها، عمدتاً محدود به تجارت داخلی بوده ولی در دنیای معاصر، حمایت از حقوق مالکیت فکری، ابعاد گسترده و غیر قابل اجتنابی یافته است که حمایت‌های فراتر از نظام کنونی سازمان جهانی مالکیت معنوی را می‌طلبد. در فاصله سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۲ سهم محصولات متضمن مالکیت فکری در تجارت جهانی از ۱۱ درصد به ۷۳ درصد افزایش یافته است.

### آثار حمایت از داراییهای فکری بر انتقال فناوری

اگرچه برخی بر این باورند که اصولاً برآورد میزان اثر حمایت از مالکیت‌های فکری بر جریان انتقال فناوری غیرممکن نبوده و همه نتایج در این خصوص مبهم و غیر قابل اتکا هستند، اما واقعیت آن است که تحلیل اثر سطوح حمایتی از مالکیت‌های فکری بر روند انتقال فناوری و توسعه تکنولوژیک، امر دشواری است؛ زیرا در این حیطه عوامل حقوقی مختلفی ایفای نقش می‌کنند به نحوی که نمی‌توان قاطعانه درباره تاثیر شیوه حمایت از داراییهای فکری بر جریان انتقال فناوری اظهار نظر کرد. با وجود این، توجه به مطالعات صورت گرفته و شواهد عینی تا حدود زیادی تبیین کننده زوایای تاریک این مقوله خواهد بود. (ماندگار، ۱۳۹۰: ۶)

برای انتقال بین‌المللی فناوری، مدل‌های اقتصادی مختلفی وجود دارد که هر یک به منظور ایجاد موازنه در این فرآیند برای برخی بازیگران این عرصه اهمیت بیشتری قایل شده‌اند. رهیافتهایی که بر حمایت موثر از دارایی‌های فکری گرایش دارند، از جایگاهی ویژه در الگوهای مزبور برخوردارند. مدل‌های ابتدایی ارائه شده از جنبه‌های حمایتی از مالکیت‌های فکری می‌کاستند و سایر عوامل موثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری را در اولویت قرار می‌دانند. اما مدل‌های جدیدتر بر تقویت جنبه‌های حمایتی از دارایی‌های فکری پای می‌فشارند و بررفع سایر موانع تکیه می‌کنند. مدل‌های نخستین بیشتر هزینه‌های مربوط به ایجاد سطحی مقبول در واگذاری فناوری را بر دوش کشورهای توسعه یافته می‌گذاشتند و در برابر، مدل‌های کنونی، این هزینه‌ها را عمدتاً بر عهده کشورهای در حال توسعه می‌دانند.

### راهبردهای مالکیت‌های فکری در عرصه انتقال فناوری

در این مبحث در ابتدا به راهبردهای کلی در زمینه تعامل مطلوب مالکیت‌های فکری و انتقال فناوری اشاره می‌کنیم و سپس با توجه به اهمیت شایان اختراعات در این حیطه به بررسی سیاست‌های خاص که اتخاذ آنها می‌تواند جریان انتقال فناوری را تسهیل کرده و موثرتر سازد، خواهیم پرداخت.

#### ۱- راهبردهای کلی

با لحاظ پیوند عمیق میان مالکیت‌های فکری و انتقال فناوری، حمایت از حقوق فکری از اولویت‌های سیاست‌گذاری حقوقی در این عرصه به شمار می‌آید. اتخاذ راهبردی هوشمندانه در خصوص اموال فکری می‌تواند به شکل‌گیری نظامی توانمند برای تسهیل روند انتقال فناوری، مساعدت زیادی نماید و توسعه تکنولوژیک را دست‌یافتنی‌تر سازد.

برخی از تحلیل‌گران معتقدند که بهترین گزینه در برقراری تعامل مطلوب میان نظام‌های مالکیت فکری و انتقال فناوری اتخاذ سیاست حمایتی میانه است، به نحوی که منافع طرفین انتقال فناوری را به را برآورده سازد؛ زیرا حمایت شدید از دارایی‌های فکری، راهی یک سویه است که تنها به منافع کشورهای صاحب فناوری ختم می‌شود و به قدرت انحصاری آن‌ها دامن می‌زند و از دیگر سو، حمایت ضعیف نیز اثر نامطلوبی بر جریان انتقال فناوری داشته و تقلید ناروا و تقلب را ترویج کرده و فرصت‌های همکاری را مخدوش می‌کند. اما به نظر می‌رسد با توجه به واقعیت‌های تجارت بین‌الملل، برای جذب فناوری ارزشمند، گریزی از پیمودن مسیر ارتقای حمایت از حقوق فکری نیست و در این نگرش نباید تنها به دیدن پیش پا بسنده کرد، بلکه باید به افق‌های دور تر روشن که در پس طریقی دشوار و طاقت فرسا و با پرداخت هزینه‌هایی هنگفت پدیدار می‌شود، نظر داشت.

## ۲- راهبردهای خاص ناظر به اختراعات

به واسطه اهمیت ویژه‌ای که اختراعات در حیطه حقوق فناوری و مقوله توسعه تکنولوژیک دارند، اتخاذ سیاست‌های مناسب در این عرصه در تسهیل جریان انتقال فناوری، کارستن تبعات نامطلوب از اجرای موثر استانداردهای بالا و تسریع در رشد تکنولوژیک تاثیر ویژه‌ای دارد. کشورهای در حال توسعه به موازات تاکید بر اصلاح بنیان‌های حقوق بین‌المللی اختراعات و با بهره‌گیری از انعطافات موجود در قسمت ۱ ماده ۱ موافقت‌نامه تریپس که اجازه داده است تا کشورها خود شیوه داخلی اجرای مقررات مزبور را برگزینند، باید نظام اختراع داخلی خود را به نحوی طراحی و مدیریت کنند که مشوق فعالیت‌های ابداعی بوده و رقابت را تضمین نموده و مانع از سوء استفاده شده و فضای لازم را برای توسعه فناوری بگشاید. به علاوه این کشورها حسب شرایط خود می‌توانند اجرای مقررات تریپس را در مواردی به تاخیر انداخته و همچنین از کمک‌های فنی در این زمینه برخوردار شوند تا به مرزهای توسعه پایدار تکنولوژیک نزدیک گردند. در بیان مباحث این قسمت، نخست به سیاست‌های ناظر به صدور گواهینامه‌های اختراع می‌پردازیم و سپس ظرفیت‌های استثنائات حق اختراع را در تسهیل روند انتقال فناوری بررسی خواهیم کرد.

## انتقال فناوری با قراردادهای مستقیم (واگذاری حقوق)

### ۱- شناخت قرارداد لیسانس

در معنای اصطلاحی لیسانس به معنای اعطای مجوزی رسمی برای انجام عملی است که در صورت فقدان جواز، انجام آن کار بادمحذور مواجه می‌باشد. در لغت نامه دهخدا معادل واژه لیسانس اصطلاح "پروانه" قرار گرفته است. (صادق، جعفری چالشری، ۱۳۹۵: ۸۹)

برخی لیسانس بین‌المللی را معادل انتقال فناوری و بعضی دیگر در تعبیری مضیق تر آن را انتقال فناوری تولید نامیده‌اند. پاره‌ای دیگر از آن به فروش فناوری یاد کرده و برخی محققان آن را توافقی برای واگذاری "مهارت‌های فنی و مدیریتی در قبال عوض از سوی طرف خارجی" می‌دانند.

در نگاه نخست، لیسانس نوعی اجازه استفاده از داراییهای فکری را به ذهن متبادر می کند.

اما پاره ای صاحب نظران بر این باورند که قرارداد لیسانس معادل واگذاری حقوق یا اجازه استفاده از آنها نیست، بلکه از ماهیتی سلبی برخوردار می باشد. در این رویکرد، لیسانس توافقی است که وفق آن دارنده حقوق حق اقامه دعوی تجاوز به اموال فکری را در چهارچوب قرارداد از خود سلب کرده است. هر چند به می رسد این تعبیر با کارکرد عملی لیسانس که ایجاد حق و تعهد می کند همخوانی ندارد.

### ماهیت قرارداد لیسانس

شناسایی ماهیت لیسانس از حیث تحلیل قواعد حاکم بر قرارداد و تفسیر آن مطابق قانون حاکم یا اصول کلی حقوقی اهمیت وافری دارد. بر این اساس، سویه تحلیل معطوف آن است که آیا قرارداد لیسانس در شمار عقود شناخته شده جایی می گیرد یا ماهیتی مستقل دارد و یا آنکه تابع قواعد عمومی و اراده طرفین است.

در حقوق آلمان نویسندگان حقوقی و رویه قضایی قرار داد لیسانس را به مثابه نوعی شرکت قلمداد کرده اند، اما آنچه بیشتر به ذهن متبادر می شود نزدیکی لیسانس به قرارداد اجاره است. در حقوق فرانسه لیسانس اصولاً تابع توافق طرفین است، اما در صورت سکوت نسبت به برخی جنبه‌ها لیسانس با اجاره قیاس شده و از موازین آن برای پر کردن خلأها و غلبه برابهامات استفاده می شود. در حقوق آمریکا نیز برخی نویسندگان لیسانس را به اجاره تشبیه کرده اند.

### کارکرد لیسانس

در کنار یکی از عمده‌ترین انگیزه‌های انعقاد لیسانس همان انتقال فناوری است و به زودی مفصلاً آن را بررسی می کنیم، این توافق کارکردهای دیگری نیز دارد که ذیلاً به عنوان آنها می پردازیم: کسب درآمد. از مهمترین محرکات دارنده فناوری، تحصیل سود از طریق اعطای مجوزهای بهره‌برداری است که عمدتاً معطوف به بازارهای خارجی می باشد. این تمهید طریقی برای جبران هزینه‌ها و سرمایه‌های مصروفه می باشد که پس از بازگشت، قسمت عمده آن مجدداً در بخش‌های تحقیق و توسعه برای ارتقای فناوری هزینه می شود.

استفاده بهینه تجاری. این دیدگاه به طور سنتی همواره وجود داشته است که بیشترین سود زمانی نصیب دارنده فناوری می شود که خود به نحو مستقیم برای بهره‌برداری از آن همت گمارد و اعطای لیسانس به منزله کمک به باروری وضعیت تجاری رقباست که طبیعتاً کاهش منافع و مزایا را در پی دارد. اما به مرور این دیدگاه معقولانه شکل گرفته است که اگر دارنده فناوری خود فاقد منابع، امکانات و زیرساختهای لازم برای تجاری سازی کلی فناوری باشد یا نمی تواند از برخی جنبه‌های خاص آن بهره اقتصادی ببرد، طریقه بهینه استفاده از آن، اعطای لیسانس به دیگرانی است که توان بهره‌برداری از فناوری را دارند و در ازای آن به لیسانس دهنده عوض پرداخت می نمایند.

تسهیل ورود به بازارهای جدید. یکی از سریع ترین راه های رخنه در بازارهای خارجی استفاده از منابع و امکانات محلی به واسطه قرارداد لیسانس است؛ زیرا معمولاً دارنده فناوری از ویژگی های بازار سایر کشورها برآورد دقیقی

ندارد، در حالی که لیسانس گیرنده به دلیل آشنایی با محیط و نیازهای بومی به نحو کارا تر و مطلوب‌تری قادر است تا فناوری را به بهره‌برداری حداکثری برساند.

### آثار و تعهدات طرفین قرارداد لیسانس

این مبحث به آثار قرارداد لیسانس و تعهداتی که هر یک از طرف قرارداد به موجب قرارداد بر عهده می‌گیرند، اختصاص دارد. نخست، تعهدات خاص مجوز دهنده را مطابق موازین توافقات لیسانس تحلیل می‌کنیم و در بند دوم تعهدات لیسانس گیرنده را تبیین خواهیم نمود.

#### تعهدات لیسانس دهنده:

تعهداتی که به سبب قرارداد معطوف دهنده می‌شود به طرق مختلفی تحقق می‌یابند: این الزامات گاه به‌طور ذاتی متعلق به قرارداد لیسانس است یا به‌طور ضمنی از توافق قابل استنباط بوده و یا به موجب شرط صریح در قرارداد موجودیت می‌یابند و به تدریج مبدل به تعهداتی رایج در قراردادهای لیسانس شده‌اند. در مواردی نیز نتیجه الزامات مستقیم قانونی هستند. این تعهدات عبارتند از: تعهدات تضمینی، تعهد به تسلیم، تعهد به حفظ فناوری و تداوم بخشی به شرایط انتفاع، تعهد به رازداری، تعهد به واگذاری پیشرفت‌های فنی و بهبودات فناوری و تعهد به اعطای شرایط مطلوب تر. خاطرنشان می‌سازیم پاره‌ای تعهدات تبعی (ارائه آموزش و انواع مساعدت‌ها) نیز در قرارداد لیسانس معمول هستند که در فصل بعدی به تفصیل در خصوص آنها به بیان مباحثی می‌پردازیم.

#### الف) تعهدات تضمینی<sup>۱</sup>

یک اصطلاح کامن لایی و معادل تعهدات تضمینی است، یعنی الزاماتی که به نحو تبعی نتیجه بر عهده گذاشتن امر خاصی بر دوش یک طرف قرارداد بوده و مبتنی بر تضمین وجود شرایط معینی در زمان معینی از سوی متعهد است که عدم تحقق آنها به مسئولیت وی منجر می‌شود.

صرف اظهارات طرف قراردادی ضمانت محسوب نمی‌شوند، بلکه این قسم تعهدات، یا به موجب حکم قانون یا شرط صریح یا توافق ضمنی طرفین تحقق می‌یابند. به‌طور کلی در قوانین داخلی کشورها مقررات الزامی در خصوص پیش‌بینی تضمین‌هایی در قراردادهای لیسانس فناوری به ندرت یافت می‌شود. برای نمونه مقررات تجارت خارجی چین، لیسانس دهنده باید الزاماً در خصوص مالکیت یا داشتن حقی نسبت به فناوری، اعتبار قانونی آن، وصف کمال اطلاعات عرضه شده و توانایی فناوری به برآوردن اهداف قرارداد تضمین می‌دهد و در صورتی که ثالثی ادعای حقی نماید یا خلاف یکی از این موارد را آشکار شود، مکلف به جبران خسارات وارده به لیسانس گیرنده خواهد بود.

#### ب) تعهد به تسلیم

<sup>۱</sup>.Warranty

بند ۲ ماده ۳۷ قانون تجارت خارجی چین از تعهدات اصلی لیسانس دهنده تسلیم اطلاعات لازم برای بهره برداری از فناوری و ارائه راهنماییهای فنی می داند. فرآیند تسلیم بسته به ماهیت موضوع قرار داد به انحای مختلفی محقق می گردد. مثلا در لیسانس اختراع، اطلاعات راجع به اختراع معمولا در قالب اسناد، نقشه ها و دستورالعمل و غیره منتقل می شود. تسلیم برخی مصادیق دانش فنی نیز از طریق آموزش یا ارائه خدمات فنی مقدور می شود.

تسلیم باید به نحوی صورت گیرد که شرایط انتفاع و زمینه بهره برداری قانونی را فراهم آورد. از این رو از تبعات تسلیم آن است که اختراع موضوع قرارداد باید در کشور یا کشورهای قلمرو قرارداد تحت حمایت باشد. بدون ثبت بین المللی یا داخلی امکان انتفاع بدون مزاحمت وجود ندارد و فناوری و گیرنده آن تحت حمایت قانونی قرار نمی گیرند. به علاوه، همان طور که اشاره گردید، در مواردی برای آنکه قرارداد در برابر ثالث قابل استناد باشد، ثبت آن از سوی لیسانس دهنده، لازم خواهد بود.

#### ج) تعهد به حفظ فناوری و تداوم بخشی به شرایط انتفاع

۱. تعهد به اقامه دعوا. یکی از تعهدات لیسانس دهنده اقامه دعوا علیه ثالثی است که در بهره برداری بدون مزاحمت لیسانس گیرنده از فناوری اختلال نموده است. حتی بدون تصریح در قرارداد لیسانس دهنده ملزم است شرایط بهره برداری را در طول اجرای قرارداد فراهم آورد و به رفع موانع انتفاع بپردازد. زیرا دلایسانس توافق مستمر است و بهره برداری مناسب و حفظ شرایط انتفاع همانند زمان انعقاد پیمان اهمیت دارد و لیسانس دهنده در برابر دریافت عوض متعهد به تداوم بخشی به شرایط بهره برداری می باشد. بدیهی است لیسانس گیرنده مایل به پرداخت حق امتیاز در وضعیتی که دیگران آزادانه حقوق او را مورد تجاوز قرار می دهند، نیست؛ لذا مجوز دهنده باید با طرح دعوا از حقوق وی در برابر تجاوز ثالث محافظت کند. از ماده ۶۰ ق.ث.ا.ط.ص.ع.ت نیز چنین الزامی قابل استنباط است. حتی شاید بتوان این تعهد را در امتداد تعهد به تسلیم دانست. در لیسانس دانش فنی نیز امتیاز دهنده متعهد است تا در صورتی که ثالثی از طریق نامشروع به اسرار تجاری دست یابد با اقامه دعوا مانع از افشای اطلاعات محرمانه شود.

#### د) تعهد به رازداری

در مواردی که موضوع قرارداد مشتمل بر دانش فنی است، از تکالیف عمده لیسانس دهنده حفظ محرمانگی اطلاعات است و باید ترتیبات متعارفی را برای رازپوشی به کار بندد. ممکن است استدلال شود که از حقوق لیسانس دهنده آنواست تا با علنی ساختن اسرار تجاری اش از آنها اعراض نماید؛ بنابراین تعهدی از این موضع متوجه او نیست. اما چنین باوری از این جهت مخدوش می نماید که با انعقاد قرارداد، مجوز دهنده این حق را به طور ضمنی در دوره قرارداد از خود سلب کرده است. علاوه بر این، چنین اقدامی می تواند لطمه وسیعی به لیسانس گیرنده وارد آورد که مبالغ هنگفتی صرف سرمایه گذاری و بهره برداری از فناوری نموده است. به علاوه به احتمال زیادی لیسانس دهنده توان مالی تدارک ضررهای وارد را ندارد. از این رو تجویز آن مطابق موازین حقوقی روا نیست.



علاوه بر این، در فرآیند مذاکرات یا در زمان اجرای قرارداد و به ویژه محاسبه حق امتیاز، لیسانس دهنده به اسرار تجاری لیسانس گیرنده وقوف می یابد و در موقعیت امنی قرار گرفته و مکلف است برای حفظ منافع رقابتی مجوز گیرنده، اطلاعات مزبور را حفظ کند. (رهبری و عسگری مهرآبادی، ۱۳۹۵: ۶)

ه) تعهد به واگذاری پیشرفتهای فنی و بهبودات فناوری

لیسانس گیرنده در جوامع کمتر توسعه یافته به فناوری های روزآمد نیازمند است تا کیفیت محصولات خود را ارتقا داده یا به راههای کم هزینه تری برای تولید دست یابد. این موضوع مدنظر لیسانس گیرنده است که در طول مدت قرارداد احتمالاً مجوزدهنده قادر به اعتلای فناوری خواهد بود و از این رو به منظور حفظ منافع خود و اجتناب از منسوخ شدن فناوری دریافتی به موجب شرط صریحی التزامی را ایجاد می کند تا از بهبودات فناوری و مزایای فناوری نوین در طول دوره قرار داد یا حتی پس از آن منتفع شود. بدین منوال لیسانس دهنده مکلف می شود ظرف مدت معینی برای مثال یک ماه پس از دستیابی به این بهبودات آنها را به موجب قرارداد لیسانسی در اختیار لیسانس گیرنده بگذارد که استفاده یا عدم استفاده از آن در اختیار خود گیرنده خواهد بود. ماده ۴۳ قانون تجارت خارجی چین مقرر می دارد در صورت عدم تصریح، طرف دیگر حقی بر پیشرفتهای فناوری ندارد و در آن سهم نمی شود.

و) تعهد به اعطای شرایط مطلوبتر

لیسانس گیرنده خواستار آن است که اگر نسبت به سایر مجوز گیرندگان شرایط بهتری به دست نمی آورد، حداقل در شرایطی برابر با آنها قرارگیرد. گاه لیسانس دهنده صراحتاً تضمین می کند که شرایط لیسانس پیشنهادی برابر یا بهتر از مجوزهای دیگری می باشد که به دیگران اعطا کرده است.

به موجب شرط کامله الوداد، لیسانس دهنده ملزم می شود در صورتی که موضوع را با شرایط بهتری در اختیار لیسانس گیرنده دیگری قرار دهد، لیسانس گیرنده نخست را در صورت تمایل از امتیازات مزبور بهره مند سازد. البته دریافت امتیازات مزبور منوط به پذیرش شرایط مقرر در قراردادهای مزبور است. ماده ۴۱ موافقت نامه لیسانس در زمینه دسترسی به بهترین شرایط مقرر می دارد: "در صورتی که واگذارنده در هر زمان در مدت قرارداد، هرگونه حقوق و لیسانس را برای استفاده از فرایند با شرایط بهتری از آنچه در این پیمان آمده است به شخص ثالث عرضه کند، گیرنده از زمان عرضه شرایط بهتر یاد شده، به طور خود به خود، از آن شرایط برخوردار خواهد شد." (موافقت نامه لیسانس)

### انتقال فناوری به واسطه سرمایه گذارهای مشترک

در مباحث قبلی در مورد شیوه انتقال فناوری و دلایل موافقان و مخالفان آن بحث و بررسی شد در این قسمت به تحلیل سازو کارهای انتقال فناوری از طریق سرمایه گذاری های مشترک می پردازیم:

#### ۱- عوامل تاثیرگذار بر جریان انتقال فناوری در سرمایه گذاری های مشترک

کارایی قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری در فرآیند انتقال فناوری باید با لحاظ عوامل مختلفی سنجیده شود (جعفر زاده، شیخی، ۱۳۹۴: ۱۸) که در ذیل به تحلیل آنها می‌پردازیم:

#### ۱) نوع فناوری:

ماهیت و ویژگیهای فناوری در برگزیدن شیوه سرمایه‌گذاری مشترک برای انتقال اهمیت شایانی دارد. برخی معتقدند در تجارت بین الملل ثابت شده که این روش قراردادی مناسب انتقال فناوری های ضمنی است؛ چرا که هرچه دانش ناهوایداتر باشد، جریان واگذاری تعامل بیشتری را می‌طلبد که در بستر جوینت ونچر شرایط آن مهیاست. همچنین در فرآیند انتقال فناوری هایی که جدیداً توسعه یافته و وابستگی زیادی به ساختار شرکت های چند ملیتی داشته و انتقال مستقل آنها به شریک محلی دشوار می‌باشد نیز، جوینت ونچر کارایی خود را به منصفه ظهور رسانده است. افزون بر این، سرمایه‌گذاری مشترک مجرای مطلوبی برای انتقال فناوری هایی است که به صورت مجموعه ای واگذار شده و تعمیق جریان انتقال به جهت ماهیت خاص این فناوری ها مستلزم دخالت و تعامل مستمر با واگذارنده می‌باشد. در واقع هنگامی که شریک میزبان اطلاعات ناقص یا اندکی درباره فناوری شرکت های چند ملیتی دارد، تشکیل یک شرکت مشترک، تدبیر مناسبی برای دستیابی به اطلاعات تکمیلی قلمداد می‌شود. همچنین سرمایه‌گذاری مشترک برای دستیابی به فناوری های آینده (در برابر فناوری های موجود) نسبتاً کارگر افتاده است. شاهد این مدعا کشور هند می‌باشد که از این طریق به موفقیت هایی نائل آمده است.

#### ۲) شرایط شریک محلی:

در میان عوامل مختلفی که انتقال فناوری در سرمایه‌گذاری مشترک را متأثر می‌سازند، ویژگی های دریافت کننده فناوری نفوذی دوچندان دارد که از جلوه های آن، قدرت جذب، میزان تجارب مشارکتی، توانمندی فراگیری، میزان پذیرندگی، قصد یادگیری، باورهای مدیریتی و کیفیت همکاری و مشارکت را باید ذکر کرد. اگر در شیوه های مدیریتی و ساختار کلی فاصله زیادی میان شرکت های چند ملیتی و شرکای محلی باشد، همکاری دشوار شده و طبعاً در روند انتقال فناوری نیز اختلال ایجاد می‌شود. (همان)

#### ۳) میزان سهم مشارکتی طرفین:

برخی محققان بر این باورند که اگر میزان مشارکت طرف خارجی پایین تر از شریک محلی باشد، سرریز فناوری افزایش خواهد یافت. در برابر، چندی دیگر صاحب نظران معتقدند که سهم کمتر شرکت چندملیتی معادل درگیری کمتر در مشارکت است که طبیعتاً بر حجم انتقال فناوری تاثیر منفی دارد. از سوی دیگر اگر سهم مشارکت کننده خارجی در اکثریت باشد، میزبان به سبب آنکه ابزار و اهرم های لازم برای فشار به طرف خارجی برای همکاری بیشتر و انتقال فناوری را در اختیار ندارد، در عمل، بهره‌ناچیزی از مشارکت خواهد برد؛ از این رو بهتر است تا طرفین سهمی برابر داشته باشند تا با پیدایش فضای اعتماد میان آنها روند انتقال فناوری تسهیل شود. با وجود این، بررسی ها حاکی از آن است که تساوی سهم طرفین مداخلت قابل توجهی در این موضوع نداشته و در این ارزیابی

باید به سایر عوامل بها داد. به ویژه باید توجه داشت که اگر سرمایه‌گذاری خارجی در موقعیت ضعیفی قرار گرفته و منافعش مطابق انتظارات تامین نشود، شاید به طور کلی دست از مشارکت بشوید.

#### ۴) حجم شرکت خارجی:

شرکت‌های بزرگ فناوری از مجرای روش‌های مشارکتی گرایش بیشتری دارند، ولی این روش در اولویت راهبردی شرکت‌های کوچک قرار ندارد. با وجود این، مطالعات بیانگر آن است که بنگاه‌های کوچک یا متوسط در صورت ورود به این عرصه، در مقایسه با شرکت‌های چند ملیتی بزرگ، روابط مستحکم‌تری برقرار می‌کنند. علی‌رغم آنکه شرکت‌های بزرگ برخوردار از فناوری‌های سطح بالا و تجربه زیادی در این حیطه هستند، اما به سبب منافع ذاتی خود، عدم وابستگی به شرکت‌های محلی شریک، موضع قوی‌تر معاملاتی و اینکه از دیدگاه آنها سرمایه‌گذاری مشترک راهی یک طرفه برای یاد دادن دانش تکنولوژیک به کشور میزبان تلقی می‌شود، تمایل کمتری به انتقال فناوری دارند. در حقیقت، شرکت‌های بزرگ به قراردادهای مشارکتی به منزله ساز و کاری برای استخراج اطلاعات تجاری، تکنولوژیک و اقتصادی کشور میزبان می‌نگرند تا از اطلاعات مزبور در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت خود استفاده کنند. در نقطه مقابل، گرچه شرکت‌های کوچک همراهی بیشتری با بنگاه‌های محلی می‌کنند، اما به دلیل نداشتن تجارب لازم و منابع محدود تکنولوژیک، احتمال کمتری می‌رود که قدرت انتقال فناوری همسانی با شرکت‌های بزرگ چند ملیتی داشته باشند؛ به خصوص اگر انتقال، متضمن فناوری‌های ضمنی یا فناوری‌هایی باشد که دارای ارزش راهبردی بوده و منبع رقابتی آنها در بازارهای داخلی و خارجی به شمار آید. (همان ۲۰)

#### ۵) نحوه عملکرد سرمایه‌گذاری مشترک:

اگر اهداف و راهبردهای سرمایه‌گذاری مشترک به طور شفاف تبیین شده باشد از بروز تعارضات میان شرکا پیشگیری کرده و در روان‌سازی جریان همکاری تکنولوژیک موثر می‌افتد. در واقع میزان دانش و تکنولوژیک که طرف میزبان از طرف خارجی کسب می‌کند و سطح و دامنه تعهدات وی در این زمینه تابعی از همین متغیر است. بنابراین بهره‌مندی از مزایای انتقال فناوری برای شریک محلی ارتباط مستقیمی با کارکرد سرمایه‌گذاری مشترک دارد. البته این دو رابطه متقابل دارند: برخی شواهد نشان از آن دارد که هر چه حجم فناوری منتقله در سرمایه‌گذاری مشترک افزون‌تر باشد، تقید بیشتری نسبت به رابطه مشترک ایجاد شده و منافع متقابل بر منافع شخصی پیشی می‌گیرد و به تبع، اهداف طرفین از سرمایه‌گذاری مشترک به نحو مطلوب‌تری برآورده خواهد شد.

#### ۶) فضای حاکم بر مشارکت و استمرار رابطه:

هر چه طول سرمایه‌گذاری‌های مشترک بیشتر باشد، مجال بیشتری برای تسهیم و مبادله اطلاعات، تعمیق فرآیند یادگیری و در نتیجه انتقال فناوری وجود خواهد داشت. در نقطه مقابل، برخی صاحب‌نظران معتقدند اگر رابطه مشترک بلندمدت باشد، به مرور، به استقرار قدرت طرف تامین‌کننده فناوری منجر شده و اتکای آن به شریک داخلی رو به زوال گذاشته و به این ترتیب، تمایل به انتقال فناوری‌های ارزشمند را به تدریج از دست می‌دهد؛ بدیهی است که در چنین وضعیتی سهم میزبان از فناوری قابل اعتنا نخواهد بود. عمر قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک

علاوه بر میزان موفقیت به شاخص‌های شفافیت عملکرد به حساب‌های مالی، رابطه اعتماد آمیز میان اطراف مشارکت و پرهیز از رفتارهای فرصت طلبانه نیز بستگی دارد. گاه ملاحظه شده که شرکت‌های محلی در اقدامی سودجویانه پس از دستیابی به فناوری درصد انحلال شرکت مشترک برآمده‌اند. برای نمونه در یک سرمایه‌گذاری مشترک میان شرکت "دوو" کره جنوبی و یک شرکت بنگلادشی، پس از اینکه طرف بنگلادشی به فناوری احاطه یافت، از مشارکت خارج شد و شرکت کره‌ای را با حجمی انبوه از سرمایه‌گذاری بی‌ثمر رها کرد. اقدامات فرصت طلبانه به بی‌اعتمادی صاحبان سرمایه دامن زده و آنها را در انتقال فناوری‌های ارزشمند خود محتاط می‌کند. افزون بر این، شرکت‌های دارنده فناوری برای مقابله با اقدامات احتمالی شریک سعی می‌کنند تا طرف محلی را همواره وابسته به خود نگاه دارند. تحقیقات نمایانگر آن است که اگر نظام حقوقی به راحتی اجازه انحلال شرکت مشترک را بدهد تمایل شرکت‌های چند ملیتی به انتقال فناوری به شرکت‌های محلی کم رنگ خواهد شد.

(۷) سیاست‌های حمایتی میزبان.

بخشی از موفقیت فرآیند انتقال در قراردادهای مشارکتی بسته به اندازه و کیفیت حمایتی است که از سوی نهادهای دولتی میزبان به عمل می‌آید. مطابق ماده ۴ "قانون شرکت‌های مشارکتی چینی - خارجی" دولت چین از تشکیل این شرکت‌ها که با هدف تولید با استفاده از فناوری‌های سطح بالاست، حمایت کرده و تسهیلاتی را به سرمایه‌گذاران اعطا می‌کند. در یک نمونه عینی، کشور اتیوپی در راستای برنامه توسعه مهندسی و توانمندسازی خود که به وسیله متخصصان آلمانی تهیه و پشتیبانی شده بود، تعرفه واردات مواد اولیه و تجهیزات را برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک در زمینه دارو - که نیاز مبرم و همواره این کشور بوده است - کاهش داد و با ارائه کمک‌های مالی، شرکت‌های خارجی را ترغیب به همکاری مشترک با فعالان محلی نمود.

## ۲- ساز و کار و نحوه انتقال فناوری در سرمایه‌گذاری مشترک

قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، به طور کلاسیک، نوعی همکاری موثر در تبادل و انتقال فناوری به شمار می‌آیند. مطالعات صورت گرفته حاکی از ارتباط مثبت میان سرمایه‌گذاری مشترک و کسب دانش تکنولوژیک و ارتقای نیروی انسانی و اجرای کارا تر تجارت دارد. در چین که یکی از بزرگ‌ترین پذیرندگان قراردادهای جوینت ونچر به شمار می‌آید، این دست توافقات، نمونه اجزای قراردادهایی است که در آن سرمایه‌گذار خارجی فناوری و دانش فنی خود را به عنوان آورده ارائه کرده و فضای تکنولوژیک این کشور را به سمت تولید با ارزش افزوده بیشتر سوق داده است. در ماده ۱ "قانون سرمایه‌گذاری مشترک چینی" هدف از انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، گسترش همکاری‌های اقتصادی بین المللی، مبادلات فنی و انتقال فناوری معرفی شده است. وفق ماده ۸ قانون سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی خارجی - چینی، از مصادیق اصلی آورده شرکا، فناوری ای است که به شرکت مشترک منتقل می‌شود و یا متعاقب اعطای ليسانس حق امتیاز دریافتی به عنوان سهم شریک در شرکت مشترک منظور می‌شود. همچنین آورده مزبور ممکن است خدمات فنی یا مدیریتی باشد که ارزش ویژه در فرآیند انتقال فناوری دارند. در حقیقت در اغلب موارد، بخش عمده‌ای از آورده طرف خارجی را فناوری تشکیل می‌دهد و از آنجا که کنترل و نظارت فنی طرف خارجی نقش بی‌بدیلی در موفقیت سرمایه‌گذاری مشترک ایفا می‌کند، سرمایه‌گذار

محللی با رغبت بیشتری به کنترل و مدیریت طرف خارجی تند داده و با تغییرات همراهی بیشتری کرده و سعی در ایجاد تحولات سازگار با محیط جدید می‌کند، تا از تبعات انتقال فناوری بهره مند شود. سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های چند ملیتی، صنعت اتومبیل‌سازی هند را به موازات انتقال فناوری به همراهی و همسویی بیشتر با دارندگان فناوری، اصلاح نظام آموزشی و ایجاد تحولاتی در ساختارهای حقوقی هدایت کرده است، به نحوی که در سال‌های اخیر شرکای هندی خود به شرکت‌های صاحب فناوری جدیدی مبدل شده‌اند که در انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه موفق عمل کرده‌اند.

### ۳- ملاحظات در خصوص تحقیق و توسعه مشترک و انتقال فناوری

مطابق گزارش سال ۲۰۱۰ آنکتاد استثنای برخی عرصه‌ها از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر و کشاورزی ارگانیک هنوز فاصله تکنولوژیک میان کشورهای در حال توسعه و جوامع توسعه یافته در حوزه فناوری‌های نوین را بسیار پیشرفته‌تر از گذشته می‌داند. فعالیت‌های تحقیق و توسعه از عوامل برجسته‌ای هستند که در کاهش شکاف تکنولوژیک، درک فناوری، اشاعه و توسعه آن نقش کلیدی ایفا می‌کنند. از آنجا که کشورهای در حال توسعه به تنهایی فاقد قابلیت‌های قابل توجهی در این عرصه می‌باشند، نیازمند مساعدت طرف‌های خارجی هستند تا از طریق مشارکت و سرمایه‌گذاری آنها در بخش‌های تحقیق و توسعه بسترهای ارتقای تکنولوژیک خود را قوی سازند.

برای نمونه شیوه سرمایه‌گذاری خارجی در گذشته ایران به گونه‌ای بوده که اگرچه فناوری محدودی به بخش‌های صنعتی تزریق شده تا محصولات تولیدی را آماده رقابت در بازارهای جهانی نماید، اما این روال سبب توسعه فناوری نگردیده است که از عمده‌ترین دلایل آن، عدم تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به بنیان‌گذاران واحدهای تحقیق و توسعه در ایران یا مشارکت در این زمینه با طرف‌های داخلی بوده است. تا پیش از وقوع انقلاب ایران فاقد پشتوانه انسانی کافی برای تحقیق و توسعه مشترک بود و شرکت‌های سرمایه‌گذار آمریکایی به همین بهانه در مواردی که ملزم به همکاری در حوزه تحقیق و توسعه مشترک بودند، اهمیتی به انجام پژوهش‌های ارزشمند و همسو با سیاست‌های تکنولوژیک داخلی ننموده و به فعالیت در سطوح سطحی اکتفا می‌کردند که حاصل چندانی برای فضای تکنولوژیک کشورمان در بر نداشت.

### سازوکارهای حمایتی مالکیت فکری در تقویت ارزش اقتصادی فناوری

مالکیت فکری به معنای تسلط و حق برخورداری از آثار ناشی از فعالیتها و تراوشات فکری انسان در زمینه‌های ادبی، هنری، علمی، تجاری و صنعتی است و حقوق مالکیت فکری مانند تمامی حقوق مالکانه دیگر به معنی شناسایی تسلط و مالکیت قانونی صاحب اثر نسبت به اثر خلاقانه وی است که تمامی امتیازات و منافع و تکالیف قانونی موجود نیز بنا به تناسب به آن اضافه می‌شود. زمینه‌های حمایت از حقوق مخترعان و مصنفان و ... به تدریج در سایر کشورهای اروپایی و در سایر نقاط جهان آغاز شد و کشورهای دیگر قوانینی در زمینه حمایت از آثار فکری به وجود آوردند؛ تا آنجا که در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۷ به حقوق مادی و معنوی صاحبان آثار فکری تاکید شد. (ساکت، ۱۳۸۴: ۷۷)

حقوق مالکیت فکری بر حسب طبیعت پویای خود و نیز به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با جهانی شدن و تجارت برقرار کرده است، یکی از پر تحول ترین حوزه های حقوقی و اقتصادی در عصر کنونی به شمار می آید. اهمیت این موضوع از آنجا آشکار می گردد که امروزه یکی از عمده ترین حوزه های مناقشه انگیز میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، مقوله حمایت یا عدم حمایت از محصولات فکری و گستره آن میباشد. از یکسو، کشورهای توسعه یافته با تاکید بر لزوم حمایت از این حقوق، تقویت حمایت را موجب افزایش توسعه و تسهیل انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه میدانند و از سوی دیگر کشورهای جهان سوم با این استدلال که مالکیت فکری باید وسیله ای برای تحقق توسعه باشد نه هدف، خواستار تعدیل گستره حقوق مزبور و انحصارات ناشی از آن شده اند.

### ساز و کارهای حمایتی رازداری تجاری

به زبان بسیار ساده، راز تجاری به اطلاعاتی اطلاق می شود که شخص دارنده اطلاعات نمی خواهد رقیبان از آن آگاهی یابند. عموماً قوانین و مقررات نه تنها از فرمولها و طرحهای محرمانه حمایت می کنند بلکه شمول حمایت قانونی حتی نسبت به مصادیق ساده تری از اسرار تجاری همچون ویژگی های یک کالا (نظیر محصولات شرکت آیفن) که ممکن است به بازار عرضه شود یا نام کشوری که تاجر قصد ورود به بازارهای آن را در آینده دارد نیز قابل تصور است. (مجله الکترونیکی سازمان جهانی مالکیت فکری، ۱۳۹۲)

حقوق اسرار تجاری همانند سایر اشکال مالکیت های فکری، تحت نفوذ و کنترل نظام های قانونی ملی است. با این وجود سازوکارهای بین المللی جهت حمایت از اسرار تجاری، موسوم به ((اطلاعات افشا نشده))، به عنوان بخشی از معاهده تریپس (TRIPS) ناظر بر جنبه های تجاری مالکیت های فکری در سال ۱۹۹۵ تدوین گردیده است. ماده ۳۹ معاهده مذکور مقرر می دارد که کشورهای عضو از اطلاعات افشا نشده در برابر استفاده های غیر مجاز با رویکردهایی بر خلاف شیوه های تجارت صادقانه (مشمول بر نقض قرارداد، نقض رازداری و رقابت غیر منصفانه) حمایت خواهند کرد.

### سازوکارهای حمایت از اختراعات

با ظهور صنعت چاپ و امکان نشر آسان کتب علمی و ادبی و هنری، سرقت و سوء استفاده از آثار فکری دیگران نیز میسر شد. و کم کم صاحبان اندیشه و هنر دریافته اند که برای حفظ دستاوردهای فکری خود می بایست سازوکاری فراهم آورند. این نهضت ابتدا موجب فراهم آمدن زمینه برای صدور گواهی نامه هایی از سوی سلاطین اروپایی، تحت عنوان حق امتیاز گردید. این رویه هم منافع دارنده گواهی را فراهم می ساخت و هم امکان کنترل اندیشه ها از سوی حکام را به وجود می آورد. این حمایت ها کم کم به وضع قوانین ملی انجامید که از آن میان می توان به اولین قانون موضوعه برای حمایت از اختراعات به سال ۱۴۷۴ در ونیز اشاره کرد. قانونی که حقوق انحصاری لازم را برای مخترع برای مدت ۱۰ سال فراهم می ساخت. و به دنبال آن در سال ۱۶۲۴ در انگلستان حمایت از مالکیت فکری در قالب حمایت از اختراعات آغاز و منتهی به وضع قانون حق مؤلف در ۱۷۰۹ و به تدریج سرایت این حرکت به

کشورهای دیگر گردید. به طوری که امروز شاهد نهادینه شدن این تأسیس حقوقی در تمامی کشورها هستیم. (آزادی ۱۳۹۵: ۱۲)

## پیوند حقوق رقابت و قراردادهای انتقال فناوری

### ۱. درآمدی بر حقوق رقابت

در سیستم های اقتصادی کارایی تجارت تا حدود زیادی در گرو بستر زیادی برای رقابت میان واحدهای تجاری است. با موازات تلاش بنگاههای اقتصادی در تصاحب هرچه بیشتر منابع محدود و نفوذ در بازار رقابت توسعه می یابد که رونق بازار را در پی دارد و در نهایت این روند افزایش کارایی اقتصادی است.

در بند ۱ ماده ۱ اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، رقابت با این ترتیب تعریف شده است: "وضعیتی در بازار که در آن تعدادی تولیدکننده، خرید در و فروشنده مستقل برای تولید، خرید و یا فروش کالا یا خدمات فعالیت می کنند، به طوری که هیچ یک از تولیدکنندگان، خریداران و فروشندگان قدرت تعیین را در بازار نداشته باشند یا برای ورود بنگاهها به بازار یا خروج از آن محدودیتی وجود نداشته باشد". (قانون اساسی، اصل ۴۴)

اصل رقابت آزاد که نقشی انکارناپذیر در شکوفایی اقتصادی دارد، معادل جواز به کارگیری همه توان تجاری و ابزارهای قانونی در بازار به منظور تحصیل منافع افزون تر است، مشروط بر آنکه بنگاههای تجاری در نیل به این مقصود متوسل به اعمال نامشروعی، که اثر سوء بر رقابت داشته و به تغییر نامتناسب الگوهای تجاری می انجامد، نگردند؛ زیرا انحراف در عرصه رقابت و اعمال رویه های مختل کننده بازار اثر ناگواری بر تحقق سیاستهای کلان اقتصادی می گذارد و مشکلات عدیده ای از جمله انحصارگرایی، سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط و تحمیل شرایط نامطلوب قراردادی، تبانی در بازار، لطمه به وجهه و شهرت تجاری رقبا، ادغام ناروای بنگاههای تجاری، سوء استفاده از حقوق مشروع دیگران، به ویژه داراییهای فکری، و به تبع لطمه به حقوق مصرف کنندگان را به دنبال دارد.

### راهبردهای ناظر به قرارداد انتقال فناوری

در این گفتار به تحلیل سیاستهای معمول نسبت به قراردادهای انتقال فناوری می پردازیم تا در نهایت به راهبرد مناسبی در خصوص قرارداد انتقال فناوری دست یابیم. بر این اساس، در مبحث آغازین، سیاستهای نظارتی دولت را بررسی کرده و سپس به نقد راهبرد الزام انتقال دهنده به تبعیت از تدابیری خاص پرداخته و در مبحث پایانی به تحلیل سیاستهای رقابتی در این عرصه خواهیم نشست.

مبحث نخست: راهبردهای کنترلی و مداخله جویانه دولت قرار داد

همانطور که گذشت با عنایت به نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه فناوری، گاه ضرورت نظارت یا دخالت و تعدیل مفاد قرارداد انتقال فناوری در راستای مصالح عمومی مطرح می شود و دولتها می کوشند تا از طریق ترسیم در چهارچوب هایی مشخص، جریان قراردادی انتقال فناوری را به سمت منافع کشور خود سوق دهند. گاه دولت های

مذکور به طور مستقیم از طریق شرکتها و نهادهای تابعه خود، قرارداد انتقال فناوری منعقد کرده و می‌کوشند راسا در این جریان دخالت کنند. اما با توجه به روند فزاینده و ناگزیر آزادسازی اقتصادی، امروزه این دخالت جلوه دیگری یافته و بیشتر از طرق غیر مستقیم یعنی سیاست گذاری برای جهت دهی به قرارداد انتقال فناوری صورت می‌گیرد؛ به این ترتیب که قرارداد باید تحت نظارت و حتی در مواردی با تصویب نهادهای دولتی منعقد شود.

### راهبردهای ناظر به الزام به انتقال فناوری

گاه سیاست های کشور پذیرنده فناوری تنها به نظارت و تعدیل مفاد قرارداد ختم نمی‌شود، بلکه فراتر رفته و مستقیماً الزاماتی را در زمینه واگذاری فناوری متوجه طرف انتقال دهنده یا سرمایه گذاران خارجی می‌کند. مهم ترین مصادیق این الزامات عبارت اند از: سرمایه گذاری مشترک اجباری، ليسانس اجباری، الزامات مربوط به محتوای محلی و استخدام منابع پذیرنده، آموزش اجباری، تحقیق و توسعه مشترک الزامی، سرمایه زدایی و مواردی از این دست که انتقال فناوری بر اساس شرایط معین و به واسطه ساز و کارهای غیر تجاری را بر طرف خارجی تحمیل می‌کنند.

در کشورهای نظیر مصر که شرط محتوای داخلی برای بیشتر شرکت‌های خارجی و چند ملیتی اجباری گردیده، میزان سرریز فناوری مناسب اعلام شده است. اگرچه احتمال دارد این الزام از رغبت فعالان خارجی بکاهد، ولی با توجه به فضای مناسب و منابع نسبتاً خوب داخلی، این تدبیر اثر نسبتاً مطلوبی در پی داشته است. اما فارغ از اینکه چنین تمهیدی در تعارض با مفاد موافقت نامه تریمز است، همواره نمی‌توان به آن دل خوش داشت؛ در کشورمان که در قراردادهای نفتی موظف ساختن طرف خارجی به استفاده از منابع انسانی، مالی و مواد اولیه، قیدی معمول می‌باشد، در عمل تدبیر مزبور تاثیر چندانی در ارتقای ظرفیت‌های داخلی نداشته است؛ زیرا عمدتاً کارهای حاشیه یا کم اهمیت به فعالان بومی سپرده شده و در فرایند تکنولوژیک دخالت موثر داده نشده اند. ماده ۳ قانون استفاده از حداکثر توان فنی و مهندسی که واگذاری ۵۱ درصد از کار را در هر حال به طرف ایرانی ضروری دیده، سبب شده تا شرکت‌های خارجی که حاضر نیستند ۵۱ درصد کار را به شرکت‌های ایرانی بسپارند، به قراردادهای صورتی با برخی شرکت‌های کوچک داخلی رو بیاورند. علاوه بر این، مشارکت طرف‌های خارجی و ایرانی غالباً ناهمگون بوده و تقسیم کار شفافی بین آنها شکل نگرفته و همین امر روند اجرای قرارداد را مختل نموده است. مضاف بر این، هنگامی که شرکت خارجی در زمینه تکنولوژیک خاصی توانمند باشد که شرکت ایرانی در آن هیچ گونه دانش و تجربه‌ای ندارد، الزام به ارجاع بیش از نیمی از حجم کار به طرف ایرانی غیر منطقی می‌نماید و تنها مجال انتقال فناوری را مضیق می‌سازد. (استراک و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۵)

### راهبردهای رقابتی در قرارداد انتقال فناوری

همان گونه که گذشت شالوده سیستم های اقتصادی نوین بر مبنای رقابت آزاد استوار شده است. قواعد حقوق رقابت که نقش بی‌بدیل در راهبری فعالیت‌های تجاری دارند، از هنجارهای مربوط به نظم عمومی اقتصادی کشورها به شمار می‌آیند. قراردادهای انتقال فناوری به عنوان یکی از مهم ترین جلوه های عینی قراردادی به طور معمول حاوی



تحدیداتی هستند که حساسیت حقوق رقابت را بر می‌انگیزد و این نظام همواره کوشیده است تا ساحت فضای تجاری را از پیامدهای ناگوار آن‌ها مصون داشته و با بهره‌گیری از همه ابزارها مانع از انحراف رقابتی این قراردادها شود. در این بحث تلاش می‌شود تا سیاست‌های حقوق رقابت نسبت به این نوع توافقات با محوریت تحلیل راهبردهای کلی ق.ا.س.ک.ا به عنوان یکی از نمونه‌های جدید قانونی کشورهای در حال توسعه تبیین شود (جعفرزاده، رهبری، ۱۳۹۱: ۸).

حقوق رقابت در مواجهه با محدودیت‌های مندرج در قراردادهای انتقال فناوری برخوردار نیست و همسان ندارد و حسب آثار میان آنها تمایز قائل می‌شود. برخی از تزییقات به طور ذاتی در پیوند با توافقات مزبور بوده و در جهت استفاده از ظرفیت‌های قانونی و حمایتی قرار دارند و از این روی، حقوق و رقابت آنها را همسو با انگاره‌ها و در تفاهم کامل با خود می‌بیند. شایسته بود ق.ا.س.ک.ا به مواردی چند از این دست تحدیدات اشاره می‌کرد تا شائبه عدم مشروعیت برخی از آنها که به طور تلویحی از اطلاق پاره‌ای از مواد قابل استنباط است، زدوده شود. در نقطه مقابل، برخی از تحدیدات همواره آستن پیامدهای ناگواری برای رقابت هستند، به نحوی که موازین رقابتی با خدشه در اعتبار آنها سعی در به انفعال کشیدن چنین رویه‌های دارد. قاعده بطلان ذاتی یا محض در پاسداری از فضای رقابتی، برخورداری قاطع با چنین تزییقاتی دارد و درصدد محو توافقاتی از این سنخ تردید نمی‌کند. این قاعده واجد مزیت کارایی، سرعت، قطعیت و پیش بینی پذیری برای فعالان تجاری است؛ متأسفانه ق.ا.س.ک.ا از این راهبرد کارا غفلت کرده است. بی‌آنکه کارآمدی این روش در رویارویی با تحدیدات نامشروع را انکار کنیم، اما به نظر می‌رسد نقطه تاریک این قاعده را باید در همین جا جستجو کرد؛ زیرا این رهیافت گاه از تبعات مطلوبیت که چنین تحدیدات نصیب بازار می‌سازد، به سادگی می‌گذرد. شاهد چنین تحلیلی وجود استثنائات متعدد در مجاورت این محدودیت‌ها و برخورد متفاوت نظام‌های حقوقی است که به طور قاطع بر عدم اعتبار برخی از آنها پای می‌فشارند. از این رو در چنین عرصه‌ای باید از رویکرد غیر منعطف پرهیز کرد و گاه احتیاط و تأمل در تبعات چنین تزییقاتی ضروری است. این امر ریشه در تحلیل اقتصادی موضوع و به ویژه نوساناتی دارد که دستخوش بازار فناوری می‌شود. دست بر قضا موضوع ماده ۴۴ ق.ا.س.ک.ا واجد چنین مزیتی است و از آن بر نمی‌آید که همه توافقاتی که در ماده مزبور از آنها یاد شده، بی اعتبار قلمداد می‌شوند، بلکه شمول حکم ممنوعیت نسبت به آنها منوط به اثبات وقوع یا احتمال وقوع آثار ضد رقابتی است. اما نقطه ضعف این ماده را باید در همین جا جستجو کرد؛ چرا که برخی از مصادیق مقرر در ماده مذکور همواره آثار ضد رقابتی دارند و تصریح به اینکه توافق باید در رقابت اخلال ایجاد نماید، این شائبه را مطرح می‌سازد که چنین پیمانهای ممکن است لطمه‌ای به رقابت وارد نسازند، در حالی که تصدیق این برداشت دشوار می‌نماید. در صورتی که در آینده عزمی در تدوین مقررات خاص مالکیت‌های فکری دیده شود، باید موارد نامشروع محض در کنار استثنائات، به طور مفصل، مورد توجه قرار گرفته و این موارد به دقت از یکدیگر تفکیک شوند تا پریشانی در بازشناسی رویه‌های نامشروع رخ ندهد. (برن، و مکبرآتنی، ۲۰۰۷: ۴۹۲)

## نتیجه گیری

در مباحث حقوقی موارد مهم و اساسی زیادی وجود دارد که هر کدام از آنها به قوانین خاصی برایش تدوین و توسعه یافته است یکی از این مباحث مهم که از ابتدا تاکنون اهمیت فوق العاده ای یافته است مالکیت های فکری می باشد که به صورت معمول حق بهره برداری از فعالیت خلاقانه و ابتکاری را پوشش میدهد.

امروزه در عرصه بین الملل اکثر کارهای خلاقانه و ابتکاری را حوزه فناوری و مبادلات تکنولوژی در زمینه های مختلف در بردارد که با توجه به شرایط فعلی جوامع ضرورتی انکار ناپذیر است و آگاهی نسبت به ماهیت و مفهوم انتقال فناوری از لحاظ حقوقی نقش کلید دارد چراکه باعث میشود فناوری به عنوان موضوع قراردادهای از سایر محصولات فکری که موضوع قراردادهای مجوز بهره برداری و یا انتقال کامل حق واقع میشوند متمایز کند.

در سالها نه چندان دور سیاسی مناسب در مورد انتقال فناوری بخصوص در کشورهای در حال توسعه جایگاهی واقعی نداشت ولی امروزه تغییرات بنیادین انتقال فناوری جلوه دیگری پیدا کرده است و اکثر کشورها خود را موظف به رعایت شیوه های انتقال فناوری با توجه پروتکلهای مالکیت فکری کرده اند و از این طریق به توسعه و ارزشهای بالای اقتصادی نیز دست یافته اند.

متداول ترین روشهای انتقال فناوری بین کشورها با توجه به قراردادهایی که منعقد می کنند به دو صورت تجاری و غیر تجاری است که از آن به رسمی و غیررسمی نیز تعبیر میشود. در این زمینه سازمان جهانی تجارت نقش مهمی دارد بخصوص در عرصه اقتصاد از طریق حقوقی با وضع مقررات برای سازماندهی قراردادهای تجاری تلاش دارد ثبات را بین کشورها برقرار نگه دارد و تا جایی که ممکن است انتقال فناوری آسان تر صورت پذیرد.

در زمینه انتقال فناوری که موضوع پژوهش حاضر نیز میباشد سازمان جهانی مالکیت فکری نیز ارتباط زیادی با کشورها دارد و پیمان های دیگر مانند پیمان همکاری ثبت اختراع «PCT»، موافقت نامه لیسبون و پروتکل مادرید را تحت پوشش خود دارد. این سازمان هدفش در زمینه انتقال فناوری تشویق و ترویج نوآوری و خلاقیت و حل مسائل مرتبط با مالکیت فکری است.

علاوه بر سازمانهای فرامرزی و ماموریت گرا در حوزه انتقال فناوری، نهادهای دیگری نیز در این عرصه فعال اند که به ویژه در هماهنگ سازی فعالیت های مربوط به انتقال فناوری، نقش مهمی ایفا می کنند. از جمله می توان به شرکتهای مشاوره خصوصی انتقال فناوری، دفاتر دانشگاهی انتقال فناوری، سازمان های ملی انتقال فناوری،

سازمان‌های منطقه‌ای تسهیل‌کننده انتقال فناوری و مراکز منطقه‌ای انتقال فناوری که متعلق به یک کشور خاص است، اشاره کرد.

از مطالب فوق اهمیت بسزایی که حقوق مالکیت فکری در قلمرو انتقال فناوری داشته و پیوند گسترده این دو نظام هویدا می‌شود. چیزی که در موافقت نامه ترپس به عنوان سند مهم حمایت حقوقی از انتقال فناوری نیز به چشم می‌خورد در مقدمه سند، ضمن اذعان بر نیاز کشورهای کمتر توسعه یافته به فناوری تاکید شده است که پیشرفت تکنولوژیک در گرو حمایت از اموال فکری می‌باشد و از این رو به این سنخ از کشورها توصیه می‌کند تا نهایت انعطاف را در حمایت از دارایی‌های فکری، مطابق استانداردهای ترپس از خود نشان دهند تا فرصت بهره‌مندی از فناوری‌های خارجی را بیابند. ماده ۲-۸ در ادامه بیان می‌دارد که کشورها باید سیاست‌هایی را اتخاذ نمایند که " مانع از سوء استفاده از اموال فکری از سوی دارنده قانون یا توسل به رویه‌هایی که به طرز نامعقولی تجارت را محدود می‌کند یا تاثیر سوء بر انتقال بین‌المللی فناوری می‌گذارد، شوند ". بند نخست ماده ۴۰ نیز با بیان جامع‌تر، برخی رویه‌ها یا شروط مرتبط با حقوق مالکیت‌های فکری را که محدودکننده رقابت هستند به مثابه مانعی بر سر انتقال و اشاعه فناوری می‌داند و بر این اساس در بند دوم به کشورهای عضو اجازه داده است که در قوانین داخلی خود به مقابله با چنین رویه‌های محدودکننده‌ای بپردازند.

بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که چارچوبهای تجارت آزاد و پیروی از استانداردهای ترپس در مورد مالکیت‌های فکری، تضمینی برای اعتلای تکنولوژیک کشورهای نیازمند فناوری نبوده و بر شکاف رو به تزاید تکنولوژیک میان دارندگان فناوری و دریافت‌کنندگان، افزوده است. همین امر گویای آن است که سیاست‌های جهانی در اشاعه و انتقال فناوری و گسترش آن و دستیابی به دانش بنیادین تکنولوژیک ناموفق عمل کرده است. که این موضوع موافقان و مخالفانی دارد که هر کدام از آنها با دلایل خاصی بر نظر خود در این زمینه تاکید دارند.

مخالفان اعتقاد دارند که تدوین و اجرای استانداردهای بالا در حمایت از دارایی‌های فکری شاید باعث تولید و تداوم ابدعات و ابتکارات شود اما بر جریان انتقال فناوری بی‌تاثیر است و درجه تجارتي آن کم می‌کند برخی دیگر از مخالفان نیز دلایل مادی برای این مورد دارند و معتقدند کشورهای در حال توسعه با افزایش هزینه انتقال مواجه خواهند شد در نتیجه با بضاعت اندک مالی از کشورهای در حال توسعه کاهش سطح انتقال را در پی دارد. در این زمینه حتی دیدگاه بد بینانه تری دارند و نظام موجود حمایت بین‌المللی از اموال فکری حاصل‌لابی شرکت‌های سرمایه‌دار اروپایی و آمریکایی به منظور هدایت جریان ثروت از کشورهای در حال توسعه به خود می‌دانند.

## منابع

- آزادی، عبدالرضا. (۱۳۹۵). اشاعه مالکیت فکری، تهران: انتشارات قانون یار .
- آریانپور کاشانی، عباس (۱۳۸۲)، فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- آتشی گلستان، مرجان (۱۳۸۸)، شرکتهای خارجی در حقوق ایران، تهران، انتشارات بهرامی.
- آقایی، محمدعلی (۱۳۸۲)، شرح مختصر اصطلاحات حقوقی، تهران: خط سوم .
- احسنی فروز، محمد (۱۳۹۰)، قرارداد انتقال تکنولوژی، ماهیت، شرایط تشکیل و آثار تهران: انتشارات دادگستر.
- القرافی لابی العباس احمد بن ادريس (۱۳۷۶)، الفروق، قم: کتابخانه موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- جعفرنژاد، احمد (۱۳۷۸)؛ مدیریت تکنولوژی مدرن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- درینی، فتحی (۱۳۷۶)، حقوق مولفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، تهران: نشر هزاران.
- رهبری، ابراهیم (۱۳۹۶)، حقوق انتقال فناوری، تهران: سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی (قرارداد - ایقاع)، چاپ پنجم، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر برنا .
- صفائی، سیدحسین (۱۳۷۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی اشخاص و اموال، تهران، میزان.
- محمدیان، مقصد (۱۳۹۵)، اشاعه مالکیت فکری، انتشارات قانون یار.
- محمودی اصغر (۱۳۹۲)، حقوق قراردادهای انتقال تکنولوژی، انتشارات جاودانه.

نیلی مسعود، درگاهی حسن، صدیقی کورس، طبیبیان محمد، کلانترنیا سعید، کیمرام فرید، مدرس عبدالحمید، نجمی منوچهر، (۱۳۸۲)، خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور، انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، تهران.

اخلاقی بهروز؛ بیلان گرد حسین. (۱۳۷۹). انتقال فناوری و جایگاه آن در سرمایه گذاری خارجی، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی .

اقبالی درخشان، محمد حنیفه (۱۳۸۵)، مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق موضوعه، کانون شماره ۶۶.

امامی، جهانبخش (۱۳۹۶)، تعیین اولویت فناوری های نوین اثرگذار بر توسعه بخش کشاورزی، موسسه پژوهش های برنامه ریزی.

براون، ارنست (۱۳۷۹)؛ زمینه تکنولوژی، محمد زنجانی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

باقری، سید کامران (۱۳۹۳)، نگاهی به عملکرد نظام ملی ثبت اختراع ایران، شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی (شمس) وب سایتی زیر نظر مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری.

بنایی اسکویی، مجید (۱۳۹۱)، انحلال قهری و اختیاری قرارداد متعذر شده، دانش حقوق مدنی شماره ۲.

خشنودی، رضا؛ حسینی، مینا (۱۳۹۵)، ماهیت حقوقی شورای رقابت و تجدیدنظر از آرای آن، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۷۵ .

جعفرزاده، میر قاسم؛ مریم، شیخی (۱۳۹۵)، رابطه حقوق رقابت و رقابت غیر منصفانه: از رویکرد یکسان انگاری تا رهیافت مکمل و استقلالی، پژوهشنامه حقوق تطبیقی دوره اول شماره ۲.

جعفرزاده، میر قاسم؛ رهبری، ابراهیم. (۱۳۹۱). تحلیل رقابتی تحدیدات ممنوع در قراردادهای لیسانس فناوری، فصلنامه پژوهش حقوق اصلی